

اعلاد و شوش

برای منحصر به فرد ساختن
کلاس های درس

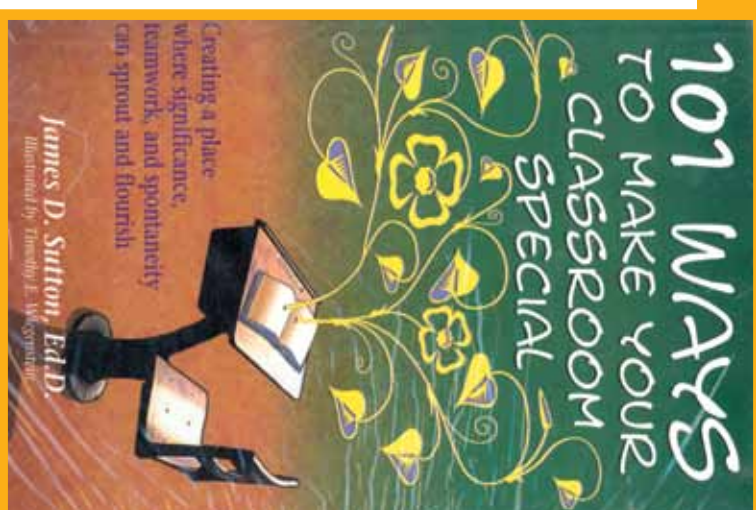
هر کتاب در یک نگاه

نویسنده: دکتر جیمز دی. ساتن

مترجم: نگار محدفهر

اشاره

در شماره ی قبل، از نخستین صفحات کتاب «۱۰۱ روش برای منحصر به فرد ساختن کلاس های درس» برخی مباحث اولیه و نیز سه اصل مهم و مدنظر نویسنده را خواندید. اکنون، فصل دوم و سوم کتاب را که شامل نکته های دیگری است، می خوانید.



فصل دوم

شیوهی استفاده از این کتاب

ایدهها و فعالیت های موجود در این کتاب، مهارت ها و توانایی های بسیاری را برای مدرسه، کلاس درس و زندگی مورد توجه قرار می دهد. این فعالیت ها بدون توجه صرف به پاسخ «صحیح» باعث پرورش قدرت تفکر و عملکرد می شود. خلاقیت همیشه باید در مرکز توجه قرار گیرد؛ به دانش آموزان ارزش آن را بیاموزید. چارلز کتربینگ می گوید: «موقعیت های افراد به قوهی تخیل آن ها محدود می شود اما، عدهی کمی بر این باورند که هزاران نوازنده می توانند در خدمت یک آهنگ ساز باشند».

هیچ اشکالی ندارد اگر در طول عمرتان یکی دو آهنگساز را وارد زندگی حرفه ای خود کنید.

کمک فراوان

مطالب این کتاب در جریان ارتباط من با معلمان در حدود ده سال گذشته گردآوری شده است. بدون کمک معلمان این کتاب به وجود نمی آمد. من بسیاری از این ایدهها و فعالیت ها را هنگام برگزاری کلاس های

(برای مثال، مصاحبه‌ی تلفنی با والدین در بعدازظهر).

نکته‌ی سوم: همیشه به نتایجی افزون بر نتیجه‌ی موردنظر بیندیشید.

گاهی برخی ایده‌ها باعث بروز ایده‌های جدید می‌شوند یا روشی را که در گذشته استفاده می‌کرده‌اید، به یاد شما می‌آوردند. با این روش می‌توانید ۱۰۱ راه را به ۲۰۱ راه تبدیل کنید.

● نکته‌ی چهارم: تلفیق و با یکدیگر اعمال کنید.

تلفیق و ترکیب نظرات و فعالیت‌ها را همواره در ذهن داشته باشید. برای مثال، در فصل ششم فعالیت بارش ذهنی در گروه را معرفی کرده‌ام؛ در حالی که در فعالیت ۲۹ در فصل چهارم، کودکان و نوجوانان کارت‌های احساس درست می‌کنند و آن‌ها را در دیگر تمرین‌های همین فصل به‌کار می‌برند. در این‌جا، ما فعالیت بارش ذهنی را به طریقی سسوندیم به‌کار گرفته‌ایم، در فعالیت‌های هشت و ۳۳، ترندهای جادویی به‌کار رفته‌اند. این فعالیت‌ها نشان می‌دهد که یک مهارت هنگامی که آموخته‌شده می‌تواند برای اهداف گوناگون به‌کار رود. موقعیت‌های مشابه دیگری نیز در این کتاب وجود دارد.

● نکته‌ی پنجم: فعالیت‌ها را با سن دانش‌آموزانتان تطبیق دهید.

برخی از این ایده‌ها و فعالیت‌ها ممکن است در نگاه اول از نظر سنی برای دانش‌آموزانتان نامناسب به نظر برسند. با این حال، با اعمال چند تغییر بیشتر آن‌ها قابل استفاده خواهند بود. برای مثال، ایده‌ی قرار دادن یک پرونده‌ی اوربکامی روی میز یکی از دانش‌آموزان (روش هفتم) می‌تواند با تغییراتی چند برای سنین بالاتر نیز قابل استفاده باشد. به جای یک پرونده‌ی کاغذی، طرز ساخت آن را به همراه چند ورق کاغذ درون یک پاکت بگذارید و روی میز دانش‌آموز قرار دهید (شاید یک یادداشت کوچک همراه آن نیز مفید باشد. روی پاکت بنویسید: «آیا می‌دانی چه‌گونه می‌توان این را ساخت؟»).

● نکته‌ی ششم: کار گروهی را تشویق کنید.

یادگیری در گروه به دلایل متعددی در طول سال‌های ابتدایی به‌کار رفته‌اند. آموزش فعالیت گروهی به دانش‌آموزان برای پیشرفت آنان در آینده مفید است.

فصل سوم

تأثیر معلم

پسر سه ساله‌ام، در حالی که از صداش تحسین می‌یابید، از من پرسید: «آیا، تو معلمی؟» همان موقع من و همسرم درباره‌ی اطلاعات تلفنی صحبت می‌کردیم. عصر همان روز، همکارانم در مرسه با استفاده از مرکز اطلاعات تلفنی به دنبال نمایی‌های برای فرمان‌داری ایالت بودند.

آموزشی برای مصلحت‌اندیش‌ها، در پیش از ۳۰ دانشگاه در سراسر کشور قرار گرفته‌ام. همیشه از همکاری این افراد قدرانی کرده و از آن‌ها اجزای چاپ فعالیت‌هایشان در این کتاب را گرفته‌ام. من به آن‌ها اعتبار بخشیده‌ام؛ تنها کار درست همین است.

مواقع دیگری نیز بوده است که دیدگاه‌های متنوعی تنها در یکی از جلسات مطرح شده‌اند. در نظر داشته باشید که من ایده‌ها و فعالیت‌های موفق را مدت‌ها قبل از آن که به فکر نوشتن این کتاب بنگفتم، جمع‌آوری می‌کردم. گاهی یک ایده، فعالیت یا راهبرد توجه مرا جلب کرده اما نام یا منبعی برای آن ذکر نکرده‌ام. در شرایطی که من، به ایده یا فعالیتی اشاره کرده‌ام که مطمئنم از آن خودم نیست، سعی کرده‌ام دست‌کم محل گردآوری آن را ذکر کنم. افرادی که با ایده‌های خود در این کتاب روبه‌رو می‌شوند، کافی است من به اطلاع دهند تا در چاپ‌ها یا ویرایش‌های بعدی آن را اصلاح کنم.

از آن‌جا که من به تمام نقاط کشور سفر می‌کنم و با معلمان، مشاوران و متخصصان کار با کودکان در ارتباطم، می‌دانم که افراد زیادی کارهای خلاقانه و پربرای برای کودکان و نوجوانان انجام می‌دهند. من سعی کرده‌ام نام همه‌ی آن‌ها را در این کتاب ذکر کنم (کاری که تقریباً غیرممکن بوده است و من نگران بودم. به خاطر آن، این کتاب به مرحله‌ی چاپ نرسد).

نکته‌هایی برای استفاده از این کتاب

● نکته‌ی اول: ایده‌ها و هدف‌ها را هم‌سو کنید.

همیشه این سؤال را در ذهن مرور کنید: «چه کسی بیشترین سود را از این ایده یا فعالیت خواهد برد؟» پاسخ این سؤال را نیز به‌خاطر بسپارید: «دانش‌آموزان». توجه به این امر باعث افزایش تمرکز می‌شود (همان‌طور که **زیگ زیگلار**، به این گفتگوش افتخار می‌کند که «مسئله‌ی اصلی، مسئله‌ی اصلی را مسئله‌ی اصلی نگه داشتن است»).

دلیل شادمانی من به چنین امر واضحی این است که گاهی می‌توانیم از این ایده‌ها و فعالیت‌ها به عنوان وسیله‌ای برای راضی خود استفاده کنیم. اگر این امر به عادت شود، تأثیر آن‌ها از بین می‌رود. نوجوانان توانایی تحمل و حتی قدرتی از راهی را دارند که به فعالیت‌های آن‌ها هدف می‌دهد اما هیچ‌کس دوست ندارد تمام مطالب درس اصلی‌اش را از راه حقه و فن‌های گوناگون بیاموزد.

● نکته‌ی دوم: ترندهای کار ساز را در هم بپیمزید.

اگر هر برگ این کتاب برایتان همچون معنی‌علائی بوده، عالی می‌شوند. عالی اما غیرواقعی، برخی ایده‌ها و فعالیت‌ها گاهی تحت هیچ شرایطی به‌کار نمی‌آیند یا به منابع و شرایط بسیار زیادی نیازمندند. برای مثال، در یکی از فعالیت‌هایی که در فصل سه به آن اشاره شده است، از والدین می‌خواهم که یک نامه درباره‌ی پسر یا دختر خود بنویسند. اگر شما از مشکلات خواندن و نوشتن خانواده‌ها اطلاع داشته باشید، محال است این ایده را به‌کار بگیرید یا حداقل فرم اصلاح شده‌ی آن را استفاده می‌کنید.

بودن را تجربه کنند و برای یادگیری این موارد چه راهی بهتر از مشاهده‌ی رفتار مملی که به کیفیت زندگی هم‌چون مطالب درسی اهمیت می‌دهد؟

در این جا ۲۸ طرح و فعالیت برای افزایش تأثیر معلم آمده است. مواردی را که با شخصیت، سبک و شرایط شما سازگار است، انتخاب کرده و امتحان کنید.

۱- در آستانه‌ی در «وانگینگ»^۲

این طرح را من از دکتر **هری وانگ**^۳، معلم و مربی سرشناس، آموختم. هری یکی دو سال در دوره‌ی دکتر اد دانشگاه بریگهام یانگ، از من جلوگیری کرد و یکی از تابستان‌ها، او برای گروه ما سخن رانی کرد و از آن پس، دید من نسبت به بچه‌ها تغییر کرد.

هری راهبرد ساده‌ای را که هر روز در کلاس‌هایش اجرا می‌کرد، با ما در میان گذاشت. آن راهبرد بی‌نهایت مفید بود. هری به این اصول بسیار پای‌بند بود و معتقد بود که این راهکارها، سال تحصیلی را برای دانش‌آموزان، ساده‌تر و دل‌پذیرتر می‌کند.

هری در آستانه‌ی در کلاس خود در دوره‌ی راهنمایی می‌ایستاد و با لبخند به تمام دانش‌آموزان خوش‌آمد می‌گویی و با آن‌ها دست می‌دهد.

(نکته: امروزه تماس با دانش‌آموز امری مهم است و باید با دقت و حساسیت به آن توجه شود. اگر دانش‌آموز در این زمینه حس خوبی ندارد یا سیاست مدرسه یا محله‌ی شما عدم تماس با دانش‌آموزان است، این کار را انجام ندهید اما من مطمئنم که دانش‌آموزان زیادی تشنه‌ی همین حرکت ساده‌اند).

خوش‌آمدگویی در آستانه‌ی در کاملاً مؤثر است. مرکز خرید محله‌تان را به یاد بیابورید؛ همیشه شخصی در آستانه‌ی در ایستاده است و به شما هنگام ورود خوش‌آمد می‌گوید. **سام والتون** می‌دانست که می‌تواند این حرکت را، که برای عموم جذاب‌تر است، در بانک نیز اجرا کند.

تنها یک نکته‌ی دیگر در زمینه‌ی تماس (دست دادن) با دانش‌آموزان؛ کودکان به شما سرخ می‌دهند. مدتی در یک پیورشگاه با یک کودک هفت ساله کار می‌کردم. هنگام ترک آن جا و جداحافظی با این کودک، او ابتدا به سمت در رفت. سپس ناگهان برگشت و به سمت دفتر من دوید؛ خودش را به من چسباند و دستش را دور گردنم حلقه کرد و در حالی که نیاز به هیچ توضیحی نبود، گفت: «اشکالی ندارد!»

پس نوشت
 یکی از روان‌شناسان شناخته شده و معاصر آمریکایی که گفته‌ها و نوشته‌هایش، محل ارجاع بسیاری از مؤلفان آثار آموزشی است.

۲ نقل‌ساختن از اسامی، اکنون به شیوه‌ی بر سر م در زندگی انگلیسی تبدیل شده است. در این فراز و نبر راه‌های معنی که در شمارده‌ی بعد خواهد آمد، نویسنده‌ی کتاب از اسم ذکر و رنگ قلم ساخته است.
 Door Way Wongling

3. Dr. Harry Wong

برای پسر من، هیچ چیز بالاتر از یک معلم نبود؛ هیچ چیز. معلمان شناس تأثیر گذاری بر زندگی جوانان را دارند؛ شناسی که دیگر بزرگسالان از آن محروم‌اند. تمام متغیرها به کمک معلم می‌آیند. روابط، زمان و اهداف، فرصت برای ایجاد روابط معلم - شاگردی برای شاگردان در هر سنی وجود دارد.

کودکان معمولاً عادت دارند عقابند، نظرها و تصمیم‌گیری‌های متعصبانه‌ی خود درباره‌ی بزرگسالان را تقریباً به هر بزرگسالی که سر راهشان قرار می‌گیرد، بازگو کنند. تعدادی از کودکان، بزرگسالان را افرادی بسیار صمیمی و حامی می‌پندند. گذراندن یک سال تحصیلی با چنین کودکانی اصلاً دشوار به نظر نمی‌رسد.

از سوی دیگر، اگر کودک بزرگسال را فردی بی‌حوصله، غیر منطقی، پر توقع، سخت‌گیر و تنبیه‌گر بداند، چه خواهد شد؟ ذهنیت او این گونه است: «آه، اینم یکی دیگه مثل بقیه است!» و رفتارش نیز بر همین مبنای خواهد بود. چنین رفتاری از نخستین روز برای شما در مدرسه ایجاد خواهد کرد.

چنین کودکی الزاماً خیال «بد بودن» ندارد؛ او صرفاً ذهنیت آشنایی را دنبال می‌کند که به او شخصیت می‌دهد. شخصیتی که ممکن است شخصیت خوبی نباشد یا حتی کودک آن را انتخاب نکرده باشد اما در هر صورت که «شخصیت» است، ضرب‌المثلی قدیمی می‌گوید: «نفس بدبو بهتر از بی‌نفسی است.» درباره‌ی این بیندیشید. بسیاری از مشکلات رفتاری جوانان هنگامی رخ می‌دهد که معلم به جای بهبود بخشیدن به ذهنیت کودک، آن را می‌پذیرد. از طرف دیگر، دانش‌آموزانی هستند (معمولاً در سنین بالاتر) که دریافته‌اند همه‌ی بزرگسالان هم‌چون پدر و مادرشان نیستند؛ بنابراین رفتار خود را با هنجار جامعه تطبیق داده‌اند. من با دختر نوجوانی کار می‌کردم که در یک خانگی زندگی می‌کرد. پدر و مادر این دختر صلاحیت سرپرستی او را نداشتند؛ زیرا هر دو با مواد مخدر، الکل و اعتیاد دست و پنجه نرم می‌کردند. زندگی آن‌ها بین مراکز بازپروری، زندان و بیمارستان‌های شهر می‌گذشت اما این دختر باهوش دریافته بود که باید زندگی‌اش را ادامه دهد و امیدوار به بهبود شرایط والدینش نباشد. او اکنون در کلاس‌های ویژه‌ی تیزهوشان شرکت می‌کند و به زودی بورس کامل تحصیلی‌اش را پس از فارغ‌التحصیلی از دبیرستان کسب خواهد کرد.

حرف‌های این دختر تیزهوش دربارگی معلمش شنیدنی بود. او درباره‌ی عادات پدر و مادرش به آن‌ها چیزی نمی‌گفت اما معتقد بود که بسیاری از معلمانش رغبت به کارشان را از دست داده‌اند و تنها ظاهر به انجام دادن آن می‌کنند. او به من گفت: «خب او‌ها هر روز میان مدرسه، اما انگار انگیزه‌ی منم رو خیلی وقت پیش از دست دادن!»

و ما فکر می‌کنیم دانش‌آموزان متوجه رفتار ما نمی‌شوند؛ در این که کودکان امروز باید آموزش ببینند، شک نیست اما آن‌ها از ما تأثیر می‌پذیرند؛ تأثیری که روح آن‌ها را احیا می‌کند و به آن‌ها انرژی دوباره برای یادگیری و به کار بستن آموزدها می‌دهد. هم‌چنین آن‌ها نیاز دارند خودآگاهی‌بخشی و مقول